پیش‌بینی سبک دلبستگی کودک براساس روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن و میانجی‌گری سبک دلبستگی ایمن مادر در کودکان مبتلا به نقص توجه/ بیش‌فعالی

مریم علی‌اکبری[۱]، احمد علی‌پور[۲]، سوسن علیزاده فرد[۳]

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۱۰/۰۸ تجدید نظر :۱۴۰۲/۰۵/۱۰
پذیرش نهایی : ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی پیش‌بینی سبک دلبستگی کودک براساس روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر در کودکان مبتلا به نقص توجه / بیش‌فعالی انجام شد. **روش:** طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری و به لحاظ هدف از نوع کاربردی بود. جامعه این پژوهش شامل تمام کودکان مبتلا به نقص توجه / بیش‌فعالی ساکن استان چهارمحال و بختیاری و مادران آنها است که تعداد ۱۶۵ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس شرایط ورود به نمونه، انتخاب شده‌اند. داده‌های به‌دست‌آمده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار و جدول توزیع فراوانی استفاده شد. در بخش استنباطی با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و اهداف پژوهش نیز داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون بوت استرپ و مدل معادله‌های ساختاری تجزیه و تحلیل شد. لازم به ذکر است برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۴ و PLS نسخه ۳ استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان از برازش مدل‌های پژوهش بود و نشان داد روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر بر سبک دلبستگی کودک اثر غیرمستقیم دارد. همچنین روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن، رابطه مستقیم با سبک دلبستگی کودک و سبک دلبستگی مادر دارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین روش فرزندپروری ترکیبی مثبت، ایمن و سبک‌های دلبستگی کودکان مبتلا نقص توجه / بیش‌فعالی با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر، ارتباط معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که تلاش والدین در جهت رشد دلبستگی ایمن و همین‌طور رشد جنبه‌های مثبت رفتاری- هیجانی در فرزندانشان با استفاده از روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن می‌تواند به‌طور مؤثری منجر به ایجاد دلبستگی ایمن در کودکان مبتلا به نقص توجه/ بیش‌فعالی (ADHD) شود.

واژه‌های کلیدی: *سبک فرزندپروری مثبت و ایمن، سبک دلبستگی ایمن، اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه.*

۱ . دانشجوی دوره دکتری رشته روان‌شناسی بالینی پردیس بین المللی ارس دانشگاه تهران
۲ . **نویسنده مسئول:** استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳ . دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Prediction of Child's Attachment Style Based on Positive and Safe Parenting Style and Mediation of Mother's Secure Attachment Style in Children with ADHD

Maryam Aliakbari[1], Ahmad Alipour[2], Soosan Alizade-fard[3]

Received: 29 - 12 - 2022 **Revised:** 1 - 8 - 2023
Accepted: 2 - 5 - 2024

Abstract:

Objective: This study aimed to investigate the prediction of child attachment style based on a positive and safe combination parenting method mediated by maternal attachment styles in children with attention deficit hyperactivity disorder (ADHD). **Method:** This study has a descriptive design of correlation and structural equations and is applied in terms of purpose. The population included all children with ADHD and their mothers living in Chaharmahal and Bakhtiari Province. The sample size of consisted of 165 children with ADHD in Chaharmahal and Bakhtiari Province with their mothers, who were selected by purposive sampling method based on the inclusion criteria. The obtained data were analyzed in two sections of descriptive and inferential statistics. The descriptive statistics section used statistical indices of mean, standard deviation, frequency distribution table, and graph. In the inferential section, according to the nature of the hypotheses and objectives of the research, the data were analyzed using Pearson's correlation coefficient tests, Bootstrap test, and structural equation model. **Results:** The results of structural equation modeling revealed that the research models fit and showed that a positive and safe combination of parenting style mediated by the mother attachment style has an indirect effect on the child's attachment style. Moreover, a positive and safe combined parenting style has a direct relationship with both the child's attachment style and the mother's attachment style. **Conclusion:** Based on the present study findings, there is a significant relationship between positive and safe combination parenting methods and attachment styles of children with attention ADHD with maternal attachment style mediation. Therefore, is expected that parents, using a positive and safe combination parenting method, can effectively lead to secure attachment in ADHD children.

Keywords: *Positive and safe parenting style, Secure attachment style, Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD).*

1. Ph.D. student in Clinical Psychology at Aras International Campus, University of Tehran. Tehran, Iran (maryam.aliakbari1@gmail.com)
2. **Corresponding author***:* Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran **(Email:** alipor@pnu.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran, Iran (salizadehfard@gmail.com)

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

مقدمه

یکی از پیچیده‌ترین اختلال‌های دوران کودکی، اختلال عصبی رشدی بیش‌فعالی همراه با نقص توجه است که با بی‌توجهی، بیش‌فعالی و تکانشگری در محدوده سنی شش‌ماهگی تا هفت‌سالگی نمایان می‌شود و ممکن است تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا کند (زایاتس و نیل، ۲۰۱۹). اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه (ADHD) منشأ چندعاملی دارد و عوامل ژنتیکی و محیطی را ترکیب می‌کند (ویلوک، بورگینی، سلاما و دلونه، ۲۰۲۱). علت و درمان این اختلال هنوز به‌طور کامل مشخص نشده است، اما ژنتیک، محیط و عوامل زیستی مانند آسیب‌های مغزی متغیرهای محیطی، نقش مهمی در ایجاد این اختلال دارند (لرنر، ورهیل، توریک، ۲۰۱۹). اختلال نقص توجه/ بیش‌فعالی (ADHD) در کودکان با چندین ویژگی نامطلوب خانواده مانند روابط متضاد والد-کودک، دلبستگی ناایمن والدین، شایستگی کمتر و استرس بیشتر والدین و همچنین سطوح بالاتر آسیب‌شناسی روانی والدین مرتبط است. ازاین‌رو، کودکان مبتلا به ADHD اغلب در شرایط نامناسبی رشد می‌کنند که ممکن است بر رشد بازنمایی دلبستگی آنها تأثیر بگذارد، به‌طور خاص، کودکان مبتلا به ADHD ممکن است کمتر توانایی یادگیری احتمالی سیگنال‌های ایمنی مراقبان خود را داشته باشند، زیرا بسیاری از کودکان مبتلا به ADHD حساسیت ناهنجاری به پاداش و تنبیه دارند (دیکرز و همکاران،۲۰۲۱).

تعداد بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که بین وجود مشکلات توجه، بیش‌فعالی در کودکان و نوع دلبستگی آنها ارتباط وجود دارد (ویلوک، بورگینی و سلاما، ۲۰۲۱؛ کرداهجی، بن دیوید و الکانا، ۲۰۲۱؛ دیکرز و همکاران، ۲۰۲۱). ویلوک، بورگینی ، سلاما و دلونه (۲۰۲۱) در پژوهشی سیستماتیک با عنوان دلبستگی کودکان و اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه، تعداد ۲۶ پژوهش را بررسی و بیان کردند که کم‌وبیش تمام این مطالعات ارتباط بین نوع دلبستگی و وجود مشکلات توجه و بیش‌فعالی را نشان می‌دهد. همچنین، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین نوع دلبستگی و وجود مشکلات توجه و بیش‌فعالی در کودکان ارتباط وجود دارد.

سبک‌های دلبستگی از کار بالبی (۱۹۸۲) که دلبستگی را در آغاز دلبستگی میان مادران و نوزادان عنوان کرده است، مشتق‌شده و تکامل‌یافته‌اند (بارنس، دودسون، وود، توماس و کیمبرلی، ۲۰۱۷). براساس نظریه بالبی (۱۹۸۲) سبک‌های دلبستگی به سه دسته دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی تقسیم می‌شوند (ویلیانو، ۲۰۱۷). سبک دلبستگی ایمن به‌عنوان یک ایده و ارزش مثبت تعریف شده است که شامل اضطراب و اجتناب پایین است. افراد در این سبک یک مفهوم مثبت درباره خود و تمایلی به برقراری روابط دارند و در برخوردهای خود راحت هستند (انجی و هو، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که کودکان مبتلا به ADHD، بازنمایی دلبستگی کمتر ایمن و الگوهای دلبستگی ناایمن بیشتری(دوسوگرا و آشفته) نسبت به همسالان عادی خود دارند (الیاگون، ۲۰۱۸؛ سمپیو، فابیو، تیزی، کیدرو، ۲۰۱۶؛ گاتمن، کرول، دورون، میکولینسر، ۲۰۱۱؛ ویلوک، بورگینی و سلاما، ۲۰۲۱). نتایج پژوهش آکمن و همکاران (۲۰۲۴) نیز نشان می‌دهد که تمرکز بر کیفیت دلبستگی و مشکلات تنظیم هیجان در مدیریت علایم اصلی و مشکلات اضطرابی همراه در کودکان مبتلا به ADHD اثرگذار است.

روابط والدگری و فرزندپروری در مشکلات رفتاری و بازنمایی‌های دلبستگی کودکان بیش‌فعال نقش به‌سزایی دارد (آلتو، هندلی، روگزچ، سیچتی و توس، ۲۰۱۸).

والدین کودکان مبتلا به ADHD، نسبت به والدین کودکان عادی، اغلب چالش‌های بیشتری را در روابط فرزندپروری و تربیت کودکان خود نشان می‌دهند (ریانی، ایسانا،۲۰۲۱). جعفرنژاد، غباری و باقری (۲۰۲۲) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که می‌توان

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

از برنامه‌های مدیریت رفتاری والدین به‌منظور بهبود نشانه‌های بالینی و عملکرد تحصیلی چنین کودکانی بهره گرفت. پژوهش‌های بسیاری نقش والدین را در سلامت روان فرزندان و سبک دلبستگی آنها بررسی کرده‌اند (ترک لادانی و آقابابایی، ۲۰۲۲؛ دیکرز و همکاران، ۲۰۲۱؛ سفیدگری، نامور، جمهری، ۲۰۲۱ ؛ فتوت، قهاری، سالمی، ۱۳۹۸؛ برنرد، هاتزینگر، بک، هوولسبوئر و تراچسلر[1]، ۲۰۰۹). بنابراین روش‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و بازنمایی‌های دلبستگی فرزندان آنها خواهد داشت. شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند. همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (واردن، پیترز، بری، باروکلوق و لیورسیدج، ۲۰۰۸).

فرزندپروری مثبت به‌عنوان فرزندپروری با سطح بالایی از حمایت‌ها در جهت رشد کودک مشخص می‌شود (سایمونز و همکاران، ۱۹۹۰). والدینی که مراقبت مثبت دارند، بیشتر وقت خود را با کودکان می‌گذرانند؛ حمایتگر، پاسخگو و حساس هستند. از طرفی سبک‌های راهنمایی و فرزندپروری والدین، رابطه با دلبستگی‌های خود والدین دارد (الداد و بنتاو، ۲۰۱۷). مادران با دلبستگی ایمن می‌توانند به‌عنوان یک عامل محافظ در برابر پریشانی روانی کودک مبتلا به اختلال بیش‌فعالی / نقص توجه خود، عمل کنند (کرداهجی، بن دیوید و الکانا، ۲۰۲۱) ولی مادران با سبک‌های دلبستگی ناایمن در ابراز هیجان به فرزندان مشکل دارند و این نکته می‌تواند بر نحوه فرزندپروری تأثیر منفی بگذارد. امین‌آبادی، رضایی و قربانی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه خلق و دلبستگی مادر با مشکلات رفتاری فرزندان با میانجیگری رابطه والد کودک پرداختند و نتیجه گرفتند که ازجمله عوامل مؤثر در کاهش مشکلات رفتاری فرزندان، علاوه بر مهارت‌های فرزندپروری، مداخله برای بهبود خلق و مشکلات دلبستگی مادران می‌باشد. تمنایی‌فر، عبداللهی و رضایی (۲۰۲۴) نتیجه گرفتند ویژگی‌های دلبستگی، قابلیت انتقال از نسلی به نسل دیگر را دارد. با شناخت سازوکارهای این انتقال بین‌نسلی، علاوه بر پیش‌بینی مشکلات رفتاری نسل بعد، می‌توان در چارچوب برنامه‌های آموزشی-مداخله‌ای از انتقال ویژگی‌های آسیب‌زا پیشگیری و ویژگی‌های مفید و سالم را تقویت کرد.

روش فرزندپروری مثبت مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی و اصول رفتاری، شناختی و عاطفی است که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شکل گرفته است. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که فرزندپروری مثبت بر سبک‌های والدگری، بهبود تنظیم شناختی هیجان و مشکلات رفتاری هیجانی کودکان، ارتقای شیوه فرزندپروری مقتدرانه و کاهش شیوه فرزندپروری سختگیرانه و تأثیرگذار است (رضایی، ۱۳۹۹؛ علی‌اکبری دهکردی، برقی ایرانی و علی‌پور، ۱۳۹۷). این سبک از فرزندپروری، رویکردی است که در آن والدین به‌عمد حالت‌ها، فرایندها و کیفیت‌های مثبت در کودکان خود را شناسایی و آنها را تقویت می‌کنند (ماریک و بوگلس، ۲۰۱۸). روش ترکیبی فرزندپروری مثبت و ایمن هفت مؤلفه دارد که عبارتند از نقش آگاهی و مشارکت در فرزندپروری، انگیزه و باورهای والدین در فرزندپروری، اصول فرزندپروری و فرزندپروری لذت‌بخش، سبک والدگری مقتدر، اصول تعامل خوب و ایجاد رابطه مثبت با کودک، آگاهی از اصول تشویق، دلبستگی ایمن و اصول اعتمادبه‌نفس و احساس مسئولیت در فرزند (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که از آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت می‌توان به‌عنوان روشی مناسب در جهت بهبود سلامت روانی مادران و کودکان دارای تشخیص نقص توجه/ بیش‌فعالی استفاده کرد (برزویی و علی‌اکبری، ۱۴۰۰؛ مولایی‌نژاد، دمهری و سعیدمنش، ۱۳۹۷). در حوزه رابطه شیوه‌های فرزندپروری با سبک‌های دلبستگی،

1 Brand, Hatzinger, Beck & Holsboer- Trachsler

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج کشور انجام شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های فرزندپروری ایمن و مثبت به والدین بر تاب‌آوری و خودکارآمدی کودکان دبستانی با دلبستگی ناایمن مؤثر است (علی‌اکبری و علیپور، ۱۳۹۷؛ پنیری و علی‌اکبری، ۲۰۲۱).

از آن جایی‌که خانواده و متغیرهای مربوط به آن به‌عنوان اولین و مهم‌ترین پایگاه اجتماعی نقش به‌سزایی بر شکل‌گیری دلبستگی فرزندان و میزان مشکلات هیجانی- رفتاری آنها دارد، اغلب اختلال‌ها و ناسازگاری‌های رفتاری ناشی از مدیریت‌نشدن نیازها و شرایط خاص هر کودک در روند رشد و تکامل به‌وسیله خانواده‌ها است. با توجه به اهمیت و جایگاه کودکان، بررسی مشکلات و رفع آنها ضروری است. انجام این پژوهش و نتایج آن، از آن جهت اهمیت و ضرورت دارد که مبانی نظری و اطلاعات پژوهشی بومی و جدیدی درباره چگونگی تأثیر شرایط فرزندپروری والدین و همچنین سبک دلبستگی والدین بر شکل‌گیری سبک دلبستگی کودک و کاهش مشکلات و رفتارهای مخرب فرزندان فراهم می‌آورد.

همچنین، می‌توان با توجه به مؤلفه‌های سبک فرزندپروری مثبت و ایمن به پیش‌بینی سبک دلبستگی کودک پرداخت و در چگونگی ایجاد دلبستگی ایمن در کودکان بیش‌فعال به روان‌شناسان و والدین کمک کرد. می‌توان با تغییر شرایط توانایی فرزندپروری والدین، به شکل‌گیری دلبستگی ایمن در کودکان مبتلا به این اختلال کمک کرد و درنتیجه از بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی این کودکان جلوگیری کرد.

با توجه به آنچه از تأثیر دلبستگی و ابعاد مختلف آن بر رفتار کودکان بیان شد، بررسی ابعاد و مؤلفه های پیش‌بین انواع سبک‌های دلبستگی در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه –بیش‌فعالی ضروری به نظر می رسد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که تلاش والدین در جهت رشد دلبستگی ایمن و همین‌طور رشد جنبه‌های مثبت رفتاری- هیجانی در فرزندان با استفاده از روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن می‌تواند به‌طور مؤثری منجر به ایجاد دلبستگی ایمن در کودکان و بهبود تکانشگری کودکان مبتلا به بیش‌فعالی/ نقص توجه (ADHD) شود. براین‌اساس، این پژوهش به‌دنبال پیداکردن پاسخ این پرسش است که آیا بین روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن و سبک دلبستگی کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر ارتباط وجود دارد؟

شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی بود. به‌منظور ارزیابی روابط بین متغیرهای مکنون و اندازه‌گیری‌شده در الگوی مفهومی پیشنهادشده از الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه این پژوهش شامل تمام کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه استان چهارمحال و بختیاری و مادرانشان می‌باشد. در این طرح پژوهشی تعداد ۱۶۵ کودک به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و براساس شرایط ورود به نمونه،

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

انتخاب شدند. ازجمله شرایط ورود به نمونه می‌توان به تشخیص ابتلا به ADHD توسط روانپزشک یا مرجع معتبر، محدوده سنی ۴-۱۲ سال برای کودکان، سابقه طلاق‌نداشتن در والدین، عدم ابتلای همزمان کودکان به بیماری دیگر غیر از ADHD و داشتن سواد برای والدین اشاره کرد.

ابزار

مقیاس ایرانی سنجش فرزندپروری مثبت و ایمن (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۹۸) ۵۳ پرسش دارد. این پرسشنامه شامل زیرمقیاس‌های نقش آگاهی و مشارکت، انگیزه و باورهای والدین در فرزندپروری، اصول فرزندپروری لذت‌بخش، سبک والدگری مقتدر، اصول تعامل خوب و ایجاد رابطه مثبت با کودک، آگاهی از اصول تشویق، دلبستگی ایمن و اصول اعتمادبه‌نفس و احساس مسئولیت در فرزند می‌باشد. نمره‌گذاری به‌صورت لیکرت ۵ درجه‌ای از خیلی کم (نمره ۱) تا خیلی زیاد (نمره ۵) در نظر گرفته می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ هریک از عوامل به‌ترتیب ۰/۷۴۱، ۰/۷۲۳، ۰/۸۲۱، ۰/۷۴۹، ۰/۷۵۹، ۰/۸۵۴، ۰/۷۹۸ است. مقدار واریانس تبیین‌شده برای هریک از عوامل به‌ترتیب برآورد شده است که در مجموع ۴۸/۳۴ از واریانس کل را تبیین می‌کند.

پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (RAAS). مقیاس دلبستگی بزرگسالان (RAAS) یک ابزار خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است که توسط کولینز ورید (۱۹۹۰) ساخته و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مبنای نظری آن ، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را بررسی می‌کند و سبک‌های دلبستگی را به‌صورت سه سبک دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگر- اضطرابی می‌سنجد. این مقیاس ۱۸ ماده دارد که هرگویه براساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱(کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق)، ارزیابی می‌شود و شامل سه خرده‌مقیاس وابستگی، نزدیکی و اضطراب است. هریک از زیرمقیاس‌ها ۶ عبارت دارد. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هریک از زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به‌ترتیب ۶۸/۰ , ۷۱/۰ , ۵۲/۰ گزارش شده است. در ایران نیز پاکدامن (۱۳۸۰)، زیباکردار (۱۳۹۲) و سعیدیان، خانزاده، حسنی و ادریسی (۱۳۹۱) روایی و پایایی نسخه فارسی این مقیاس را در حد مطلوبی گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه روابط میانی دلبستگی (KCAQ)– دلبستگی کودکان در دوره میانی: این پرسشنامه توسط هالپرن و کاپنبرگ (۲۰۰۶) برای سنجش دلبستگی کودکان در دوره میانه کودکی برای کودکان در دوره سنی میانی کودکی قبل از دبستان و دبستان ۳ تا ۱۲ سال طراحی شده است. پرسشنامه بالا چهار بعد تکامل انطباقی مثبت، واکنش هیجانی، رفتار های منفی، دوری‌گزیدن از حمایت چهره دلبستگی/ فرد مراقب دارد و به‌وسیله مادر تکمیل می‌شود. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است. برای نمره‌گذاری هر درجه‌ای بین ۰ تا ۵ (همیشه تا هرگز) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد. پایایی اولیه پرسشنامه در مطالعه سازندگان پرسشنامه براساس همبستگی درونی ۰.۸۵ و براساس روش دو نیمه‌کردن ۰.۸۳ گزارش شده است. در پژوهش سلیمانی، بشاش و لطیفیان (۱۳۹۳) روایی و پایایی این پرسشنامه بررسی شده است. نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد که آزمون KMO برابر با ۰/۷۳ و در سطح مطلوب بوده و آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنادار بود. نتایج تحلیل عاملی با چرخش واریماکس وجود چهار عامل در گویه‌ها را تأیید کرد که ۴۸/۷۲ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کرد. ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه در حد بالایی به دست آمد. محاسبه ضریب آزمون – بازآزمون به فاصله یک ماه مطلوب و بالا بود. همبستگی معنادار نمره‌های این پرسشنامه با نمره‌های پرسشنامه‌های هیجان‌های مادرانه و پرسشنامه SDQ روایی همگرا، واگرا و همزمان مقیاس را تأیید کرد. همچنین پایایی آزمون – بازآزمون این پرسشنامه ۰/۷۹ گزارش شده است.

مقیاس سنجش نشانه‌های اختلال بیش‌فعالی / نقص توجه کانرز (۱۹۹۰). این پرسشنامه به‌وسیله

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

کانرز در سال ۱۹۹۰ به‌منظور سنجش اختلال بیش‌فعالی / نقص توجه تهیه شد. این فرم به‌وسیله والدین و براساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تکمیل می‌شود. براین‌اساس گزینه خیلی موافقم نمره ۵ و گزینه خیلی مخالفم نمره ۱ دریافت می‌کند. این پرسشنامه دو مؤلفه تکانشگری و نقص توجه را می‌سنجد که در این پژوهش از پرسش‌های مربوط به مؤلفه تکانشگری استفاده می‌شود. هرچه امتیاز بالاتر رود، میزان نشانه‌های اختلال کودک بیشتر خواهد بود و برعکس. کانرز و همکاران (۱۹۹۹) پایایی این مقیاس را ۰/۹۰ گزارش کردند (کانرز، ۱۹۹۰). در پژوهش علیزاده (۱۳۸۴) اعتبار این پرسشنامه از ۰/۸۵ گزارش شده است.

روش اجرای پژوهش

با توجه به محدودیت‌های ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹، پرسشنامه‌های مربوطه به‌صورت مجازی برای پاسخ‌دهندگان ارسال و تکمیل شد. داده‌های به‌دست‌آمده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش استنباطی با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و اهداف پژوهش نیز داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون بوت استرپ و مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. لازم به ذکر است برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آمار ۲۴-SPSS و PLS نسخه ۳ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر از مجموع ۱۶۵ کودک پسر و دختر ۴ تا ۱۲ سال مبتلا به اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه استان چهارمحال و بختیاری شرکت‌کننده، ۱۰۶ نفر پسر که معادل ۶۴.۲ درصد و ۵۹ نفر دختر که معادل ۳۵.۸ درصد، کل جمعیت آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. دامنه سنی مادران نمونه مورد پژوهش ۲۱ تا ۵۰ سال و میانگین سنی و انحراف استاندارد آنها به‌ترتیب برابر با ۳۵.۷۴ و ۵.۸۶ می‌باشد. همچنین ۴۲ نفر معادل ۲۵.۵ درصد تحصیلات زیر دیپلم ، ۵۱ نفر معادل ۳۰.۹ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۴ نفر معادل ۱۴.۵ درصد تحصیلات فوق دیپلم، ۳۷ نفر معادل ۲۲.۴ درصد تحصیلات کارشناسی و ۱۱ نفر معادل ۶.۷ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر را تشکیل می‌دهند. اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد ، حداقل و حداکثر نمره) مربوط به نمره‌های خرده‌مقیاس‌های متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، بیشترین و کمترین نمره) متغیرهای پژوهش

	متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
	تکامل انطباقی	۱۲	۳۰	۲۱.۸۰	۴.۱۹۹
	واکنش‌های هیجانی	۶	۲۰	۱۲.۶۱	۳.۰۵۵
دلبستگی کودک	رفتارهای منفی	۶	۲۱	۱۲.۲۸	۳.۸۳۷
	دوری گزینی	۴	۲۰	۷.۹۳	۳.۱۵۴
	دلبستگی ایمن	۱۰	۳۰	۲۱.۶۴	۴.۵۳۷
دلبستگی مادر	دلبستگی اجتنابی	۷	۲۸	۱۹.۵۵	۴.۵۲۵
	دلبستگی دوسوگرا	۶	۳۰	۱۶.۹۸	۵.۵۵۴
	نقش‌آگاهی و باورهای والدین فرزندپروری	۱۷	۴۳	۳۲.۵۵	۵.۵۴۷
	اصول فرزندپروری لذت‌بخش	۳۱	۵۰	۴۱.۴۵	۵.۱۹۳
	سبک والدگری مقتدر	۹	۳۰	۲۱.۰۶	۴.۰۶۹
سبک فرزندپروی ترکیبی مثبت و ایمن	اصول تعامل خوب و ایجاد رابطه	۲۲	۴۵	۳۳.۷۷	۵.۸۴۳
	آگاهی از اصول تشویق	۷	۲۵	۱۷.۴۳	۳.۲۵۷
	دلبستگی ایمن	۱۶	۳۵	۲۷.۰۹	۴.۶۹۹
	اصول اعتمادبه‌نفس و احساس مسئولیت در فرزند	۱۱	۳۵	۲۵.۹۸	۵.۰۰۸

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

ماتریس

همبستگی بین متغیرهای پژوهش

جدول ۲ اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین خرده‌مقیاس‌های متغیر دلبستگی کودکان و مؤلفه‌های متغیر فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن را نشان می‌دهد.

جدول ۲ ماتریس همبستگی بین مؤلفه های متغیر دلبستگی کودک و مؤلفه‌های متغیر فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. تکامل انطباقی	۱											
۲.واکنش‌های هیجانی	-۰.۲۹**	۱										
۳.رفتارهای منفی	-۰.۶۰**	۰.۳۳**	۱									
۴.دوری‌گزینی	-۰.۲۹**	۰.۲۶**	۰.۴۳**	۱								
۵.دلبستگی ایمن مادر	۰.۱۶*	-۰.۱۸*	-۰.۲۳**	-۰.۲۰**	۱							
۶.مؤلفه اول فرزندپروری	۰.۲۷**	-۰.۲۲**	-۰.۲۸**	-۰.۲۵**	۰.۳۲**	۱						
۷.مؤلفه دوم فرزندپروری	۰.۴۰**	-۰.۱۷*	-۰.۲۹**	-۰.۲۶**	۰.۳۵**	۰.۵۳**	۱					
۸.مؤلفه سوم فرزندپروری	۰.۳۵**	-۰.۱۶*	-۰.۲۴**	-۰.۱۸*	۰.۲۳**	۰.۶۷**	۰.۵۶**	۱				
۹.مؤلفه چهارم فرزندپروری	۰.۴۳**	-۰.۲۰**	-۰.۲۷**	-۰.۲۴**	۰.۳۵**	۰.۷۳**	۰.۵۹**	۰.۷۰**	۱			
۱۰.مؤلفه پنجم فرزندپروری	۰.۰۹	-۰.۲۴**	-۰.۱۶*	-۰.۲۱**	۰.۱۶*	۰.۳۹**	۰.۲۹**	۰.۴۷**	۰.۴۳**	۱		
۱۱.مؤلفه ششم فرزندپروری	۰.۴۵**	-۰.۲۰**	-۰.۲۷**	-۰.۲۰**	۰.۲۵**	۰.۵۶**	۰.۵۱**	۰.۶۰**	۰.۶۹**	۰.۳۷**	۱	
۱۲.مؤلفه هفتم فرزندپروری	۰.۴۶**	-۰.۱۴	-۰.۳۳**	-۰.۲۰**	۰.۲۹**	۰.۵۹**	۰.۵۵**	۰.۶۲**	۰.۷۰**	۰.۴۸**	۰.۷۰**	۱

*** p<0/05 **p< 0/01**

یافته‌های استنباطی

در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، توان نشانگرها برای اندازه‌گیری متغیرهای نهفته زیربنایی ارزیابی شد. همچنین پیش‌فرض‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری ازجمله نرمال‌بودن تک‌متغیری نشانگرها با محاسبه شاخص کشیدگی چندمتغیری نسبی بررسی شد. فرض عدم وجود هم‌خطی چندگانه از روش VIF نیز ثابت شده است. بعد از انتخاب نشانگرهای مربوط به مدل مفهومی پژوهش، یک تحلیل عاملی تأییدی کلی روی تمامی متغیرهای پژوهش اجرا شد. بنابراین این مکان فراهم شد که با بررسی شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی و دیگر شاخص‌های آزمون مدل اندازه‌گیری، صلاحیت هر دو مدل اندازگیری انتخاب‌شده برای متغیرهای مکنون مشخص شود. پایایی مدل اندازه‌گیری با استفاده از آلفای کرونباخ و پایایی مرکب تأیید شده است. روایی مدل اندازه‌گیری نیز با استفاده از روایی همگرا، روایی واگرا تأیید شد. در

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

ادامه با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری حداقل مجذورات جزئی بـه بررسـی مـدل مفهـومی پـژوهش پرداخته شده است تا با اسـتفاده از نتـایج آزمـون بـه بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش، ضرایب اعتبار و پایایی و کیفیت مدل پرداخته شود.

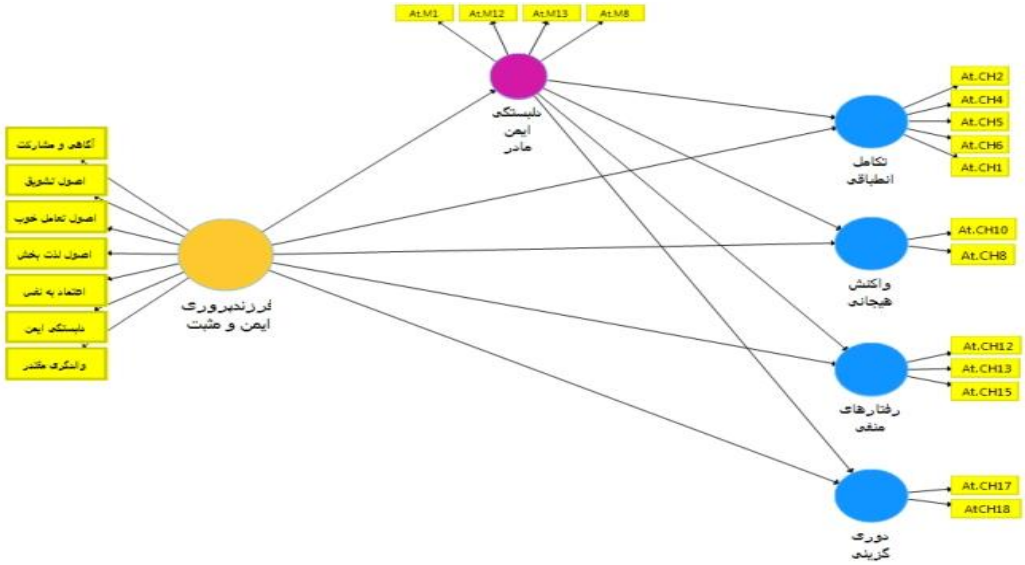

شکل ۲ مدل نهایی پژوهش

جدول ۳ مقادیر ضرایب مسیر اثر مستقیم،آماره T و سطح معنی‌داری، ضریب اندازه اثر، ضرایب اثر کل و انحراف استاندارد مدل اول پژوهش (متغیر میانجی: دلبستگی ایمن مادر)

	ضریب مسیر (اثرمستقیم)	مقدار T	سطح معنی‌داری (مقادیر P)	F ضریب اندازه اثر	اثر کل	انحراف استاندارد (STDEV)
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> دلبستگی ایمن مادر	۰.۳۵	۵.۷۸	۰.۰۰۰	۰.۱۶۵	۰.۳۵۶	۰.۰۶۲
دلبستگی ایمن مادر ->تکامل انطباقی	۰.۱۴	۱.۹۶	۰.۰۵۰	۰.۰۴۳	۰.۱۴۱	۰.۰۷۶
دلبستگی ایمن مادر -> دوری‌گزینی	-۰.۲۴	۲.۷۶	۰.۰۰۶	۰.۰۷۳	-۰.۲۴۹	۰.۰۹۰
دلبستگی ایمن مادر -> رفتارهای منفی	-۰.۰۷	۰.۸۳	۰.۴۰۵	۰.۰۰۵	-۰.۰۷۱	۰.۰۸۵
دلبستگی ایمن مادر -> واکنش هیجانی	-۰.۳۴	۵.۳۶	۰.۰۰۰	۰.۱۶۱	-۰.۳۴۸	۰.۰۶۵
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> تکامل انطباقی	۰.۴۳	۶.۷۴	۰.۰۰۰	۰.۲۲۵	۰.۴۸۸	۰.۰۶۵
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> دوری‌گزینی	-۰.۱۹	۲.۲۴	۰.۰۲۵	۰.۰۵۹	-۰.۲۸۵	۰.۰۸۸
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> رفتارهای منفی	-۰.۳۵	۵.۵۴	۰.۰۰۰	۰.۱۵۳	-۰.۳۸۵	۰.۰۶۵
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> واکنش هیجانی	-۰.۱۷	۱.۹۷	۰.۰۴۸	۰.۰۶۳	-۰.۲۹۷	۰.۰۸۸

همـان‌طور کـه در جـدول مشـاهده مـی‌شـود ، روش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن دارای اثر مسـتقیم و معنی‌دار بر سبک دلبستگی ایمن مادر است و سبک دلبستگی ایمن مادر اثر مستقیم و معنی‌داری بـر بعـد تکامل انطباقی دلبستگی کودک دارد. همچنین نتـایج نشان می‌دهد کـه سـبک دلبسـتگی ایمـن مـادر اثـر معکوس معنـی‌دار (بـه‌ترتیب بیشـترین اثـر) بـر بعـد واکنش هیجانی و بعد دوری‌گزینـی متغیـر دلبسـتگی کودک دارد ولی ایـن متغیـر اثـر معنـی‌داری بـر بعـد رفتارهای منفی متغیر دلبستگی کودک ندارد.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

جدول۴ مقادیر اثر غیرمستقیم ، آماره T، سطح معنی‌داری و فاصله‌های اطمینان استاندارد آزمون بوت استرپ مدل اول (متغیر میانجی: دلبستگی ایمن مادر)

	اثر غیرمستقیم	حدود بوت استرپ (فاصله‌های اطمینان استانداردشده در سطح اطمینان ۹۷.۵ درصد)		آماره T	سطح معنی‌داری (مقادیر P)
		٪۹۷.۵	٪۲.۵		
فرزندپروری _ مثبت و ایمن -> دلبستگی ایمن مادر -> دوری‌گزینی	-۰.۰۸۹	۰.۱۷۷	-۰.۰۲۷	۲.۳۱۸	۰.۰۲۱
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> دلبستگی ایمن مادر -> واکنش هیجانی	-۰.۱۲۴	-۰.۲۰۹	-۰.۰۷۲	۳.۶۶۸	۰.۰۰۰
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> دلبستگی ایمن مادر -> تکامل انطباقی	۰.۰۵۰	۰.۰۰۱	۰.۱۱۷	۱.۹۳۸	۰.۰۵۰
فرزندپروری_ مثبت و ایمن -> دلبستگی ایمن مادر -> رفتارهای منفی	-۰.۰۲۵	-۰.۰۹۸	۰.۰۳۵	۰.۷۸۰	۰.۴۳۶

نتایج این آزمون نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری مثبت و ایمن بر بعد دوری‌گزینی دلبستگی کودک با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر در سطح معنی‌داری ۰.۰۲۱، معنی‌دار است. همچنین اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری مثبت و ایمن بر بعد واکنش هیجانی دلبستگی کودک با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر در سطح معنی‌داری ۰.۰۰۰، معنی‌دار است. اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری مثبت و ایمن بر بعد تکامل انطباقی دلبستگی کودک با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر معنی‌داری در سطح ۰.۰۵۰ دارد. اما بین سبک فرزندپروری مثبت و ایمن و بعد رفتارهای منفی دلبستگی کودک با میانجیگری سبک دلبستگی ایمن مادر رابطه غیرمعنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش پیش‌بینی سبک دلبستگی کودک براساس سبک فرزندپروری ترکیبی مثبت، ایمن و میانجی‌گری سبک دلبستگی ایمن مادر در کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی- نقص توجه بود. با توجه به تحلیل یافته‌های این پژوهش و از آن جایی‌که شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی به شمار می‌آیند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری و رشد آنان در دوران کودکی و خصایص بعدی شخصیتی و رفتاری آنها تأثیر عمیقی دارد، بنابراین روش‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و بازنمایی‌های دلبستگی فرزندان آنها خواهد داشت؛ به طوری که بیشتر مشکلات دلبستگی کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه روابط مادر- فرزندی است. فرزندپروری مثبت به‌عنوان فرزندپروری با سطح بالایی از حمایت‌ها در جهت رشد کودک مشخص می‌شود (سایمونز و همکاران، ۱۹۹۰). این یافته ها به‌طور کلی در راستای مطالعات گذشته قرار دارد (دیکرز و همکاران، ۲۰۲۱؛ برنز و براون، ۲۰۲۰؛ چوئنی و همکاران ، ۲۰۱۹؛ زو و همکاران ، ۲۰۱۸ ؛ آلتو و همکاران، ۲۰۱۸؛ چانگ و گو ، ۲۰۱۷ ؛ کلیمه و میچل، ۲۰۱۷ ؛ لورکا و همکاران ، ۲۰۱۷؛ سوزوکی و همکاران ، ۲۰۱۶؛ سمپیو و همکاران ، ۲۰۱۶).

والدینی که مراقبت مثبت دارند، بیشتر وقت خود را با کودکان می‌گذرانند، حمایتگر، پاسخگو و حساس هستند. کودکانی که در شیوه تربیتی آنها از مؤلفه-های سبک مثبت و ایمن استفاده شده باشد، راهبرد-های مقابله‌ای بیشتری نسبت به دیگر کودکان دارند، چرا که بنا بر پژوهش‌های پیشین (دیکرزو

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

همکاران، ۲۰۲۰؛ بیگ‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۷) سبک فرزندپروری مثبت و ایمن موجب کاهش مشکلات رفتاری کودکان، نگرانی‌ها و علایم اختلال‌های رشدی مانند تکانشگری و اضطراب در کودکان مبتلا به اختلال ADHD می‌شود. در مؤلفه دلبستگی ایمن افزون‌بر اینکه والدین گرم و با محبت هستند، کودکان خود را به طرف استقلال سوق می‌دهند. درنتیجه زمینه‌ای فراهم می‌شود که در کودک دلبستگی ایمن شکل بگیرد و احساس ارزشمندی کند.

کودکان با دلبستگی ایمن، آن دسته افرادی محسوب می‌شوند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته و موفق‌ترند. با توجه به توضیحاتی که در بالا ارائه شد و همچنین نتایج پیشینه پژوهشی، طبیعی به نظر می‌رسد که کودکان والدین دارای سبک فرزندپروری مثبت و ایمن در سبک دلبستگی خود، ایمن باشند. بنابراین استفاده از روش آموزش فرزندپروری ترکیبی مثبت و ایمن، می‌تواند به‌طور مؤثری منجر به ایجاد دلبستگی ایمن در کودکان و بهبود تکانشگری کودکان مبتلا به بیش‌فعالی / نقص توجه (ADHD) شود.

ازجمله پژوهش‌های همسو با نتایج پژوهش حاضر می‌توان به پژوهش نریمانی و تقی‌زاده، ۱۴۰۰؛ برزویی، علی اکبری، ۱۴۰۰ ؛ کشوری و علی‌اکبری، ۱۴۰۰؛ حاج‌خدادادی و همکاران ، ۱۴۰۰؛ رنجبر و علی‌اکبری، ۱۴۰۰ اشاره کرد. نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه آن دسته از پژوهشگرانی (کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲) که مطرح می‌کنند الگوهای عملی درونی دلبستگی تحت تأثیر وقایع و تجربه‌های زندگی قابل تغییر هستند و کیفیت دلبستگی با تغییر عوامل اجتماعی و یا تمرین مهارت‌های آگاهانه ، دچار تغییر می‌شود و نه‌تنها کیفیت دلبستگی کودک بلکه رفتار و مادرانه و بازنمایی‌های دلبستگی مادر نیز تابع عوامل بیرونی است (بلکسی و راوین، ۱۹۸۷)، هماهنگ و همسو است.

روش فرزندپروری مثبت و ایمن علاوه‌بر تأثیر بر سبک دلبستگی کودکان می‌تواند بر سبک دلبستگی مادر نیز اثر بگذارد به این روش موجب می‌شود که مادران درباره اهمیت دوران کودکی و نقش مهم تعامل‌های اولیه والدین با کودکان در پایه‌ریزی شخصیت، رفتار و عملکرد و عزت‌نفس فرزندان آگاه باشند. مادر در فرایند فرزندپروری مثبت و ایمن مجموعه‌ای از مهارت‌ها را به‌صورت آگاهانه طولانی‌مدت در خود ایجاد می‌کند. درنتیجه، تغییر نگرش و نیز تمرین آگاهانه و مداوم مهارت‌های مؤلفه‌های فرزندپروری مثبت و ایمن مانند شیوه‌های تعامل مثبت و فرزندپروری، به بهبود رابطه والد-فرزندی و افزایش جو صمیمیت در خانه و ارتقای ایمنی دلبستگی مادر منتهی شده که سبب آرامش مادر و در صورت داشتن سبک دلبستگی ایمن توسط مادر ، موجب افزایش ایمنی دلبستگی مادر می‌شود. بنابراین نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین روش فرزندپروری ترکیبی مثبت، ایمن و سبک‌های دلبستگی کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی/ نقص توجه با میانجیگری سبک دلبستگی مادر، ارتباط معنی‌دار وجود دارد و همه فرضیه‌های پژوهش تأیید شدند. ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به امکان‌نداشتن کنترل متغیرهای جمعیت شناختی مانند وضعیت اقتصادی – اجتماعی، وضعیت تحصیلات و ویژگی‌های شخصتی اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود که مطالعه‌های مشابه روی پدران دارای کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی و کمبود توجه نیز انجام شود.

تشکر و سپاسگزاری

از همکاری تمام شرکت‌کنندگانی که در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها کمک کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

برای رعایت موازین اخلاقی توضیحاتی درباره اهداف پژوهش، چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها، رازداری، افشانکردن اطلاعات و حفظ حریم خصوصی افراد به تمامی شرکت‌کنندگان در آغاز فرم پرسشنامه‌ها در قالب فرم رضایت آگاهانه

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

شرکت‌کنندگان ارائه شد. همچنین به شرکت‌کنندگان ابلاغ شد که نتایج در صورت تمایل برای آنها تفسیر خواهد شد و اینکه به افراد اطلاع داده شد که مشارکت در پژوهش موجب هیچ‌گونه بار مالی برای شرکت‌کنندگان نخواهد شد. به‌این‌ترتیب رضایت شرکت‌کنندگان براساس با اصول اخلاقی در پژوهش گرفته شد.

References

Akman H, Serdengeçti N, Yavuz M, Kadak MT, Ercan O, Doğangün B. (2024). Attachment and comorbid anxiety in ADHD. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 29(1):368-380. doi:10.1177/13591045231204052

Ali Akbari Dehkordi M, Beyg Mohammadi, S. (2018). Effectiveness of positive and safe parenting training on reducing the symptoms of social anxiety and impulsivity in children with attention deficit/hyperactivity deficit (ADHD), The 5th National Conference on Humanities and Psychological Studies, Tehran. (In Persian)

Alipour F, Aliakbari Dehkordi M, Barghi Irani Z. Effectiveness of safe parenting skills training program on parenting practices of mothers of children with signs of internalizing and externalizing behavior problems Lahijan city. JOEC 2018; 18 (2) :123-134. (In Persian) URL: http://joec.ir/article-1-622-fa.html

Alto, M., Handley, E., Rogosch, F., Cicchetti, D., & Toth, S. (2018). Maternal relationship quality and peer social acceptance as mediators between child maltreatment and adolescent depressive symptoms: Gender differences. *Journal of adolescence*, *63*, 19-28. doi: 10.1016/j.adolescence.2017.12.004

Al-Yagon, M. (2018), Models of child–parent attachment in attention deficit hyperactivity disorder: Links to executive functions. Personal Relationship, 25: 280-298. https://doi.org/10.1111/pere.12232

Aminabadi, Z., Rezaee, N., & Ghorbani, S. (2021). Relationship between Mother's Mood and Attachment with Children's Educational and Behavioral Problems: Mediating Role of Mother-Child Relationship. *Pouyesh in Humanities Education*, *7*(22), 51-62. (In Persian)

Barnes, A., Dodson, M., Wood, B., Thomas, H., & Kimberly, C. (2017). The effect of attachment styles on positive communication and sexual satisfaction in relationships. *Journal of Positive Sexuality*, *3*(2), 27-31.

Barzoui, Zainab (2021). Effectiveness of the positive and safe parenting educational package on mothers' life satisfaction and their children's aggression. Department of Psychology, Payam Noor University, Tehran. (In Persian)

Bowlby, J. (1982). Attachment and loss: Retrospect and prospect. *American Journal of Orthopsychiatry*, *52*(4), 664–678. https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.1982.tb01456.x

Brand, S., Hatzinger, M., Beck, J., & Holsboer-Trachsler, E. (2009). Perceived parenting styles, personality traits and sleep patterns in adolescents. *Journal of Adolescence*, *32*(5), 1189–1207. https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2009.01.010

Burns, J. N., & Brown, S. M. (2020). Keeping Children Safe parent education programme: improving access to parent education in the context of child protection. *Children Australia*, *45*(2), 125–132. doi:10.1017/cha.2020.23

Chang, J. P. C., & Gau, S. S. F. (2017). Mother-child relationship in youths with attention-deficit hyperactivity disorder and their siblings. *Journal of Abnormal Child Psychology*, *45*(5), 871-882. https://doi.org/10.1007/s10802-016-0218-9

Choenni, V., Lambregtse-van den Berg, M. P., Verhulst, F. C., Tiemeier, H., & Kok, R. (2019). The longitudinal relation between observed maternal parenting in the preschool period and the occurrence of child ADHD symptoms in middle childhood. Journal of Abnormal Child Psychology, 47(5), 755-764. https://doi.org/10.1007/s10802-018-0492-9

Climie, E. A., & Mitchell, K. (2016). Parent-child relationship and behavior problems in children with ADHD. *International Journal of Developmental Disabilities*, *63*(1), 27–35. https://doi.org/10.1080/20473869.2015.1112498

Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, *58*(4), 644–663. https://doi.org/10.1037/0022-3514.58.4.644

Conners CK. (1999). Conner´s adult ADHD rating scales (CAARS) technical manual. N Tonawanda NY: Multi-Health systems.

Cummings, E.M. and Davies, P.T. (2002), Effects of marital conflict on children: recent advances and emerging themes in process-oriented research. Journal of Child Psychology and Psychiatry, 43: 31-63. https://doi.org/10.1111/1469-7610.00003

Dekkers TJ, Hornstra R, van den Hoofdakker BJ, de Jong SRC, Schaaf JV, Bosmans G, van der Oord S. Attachment Representations in Children with and without Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder (ADHD). *Brain Sciences*. 2021; 11(11):1516. https://doi.org/10.3390/brainsci11111516

Eldad, R., & Benatov, J. (2018). Adult attachment and perceived parental style may shape leadership behaviors. *Leadership & Organization Development Journal*, *39*(2), 261–275. https://doi.org/10.1108/LODJ-06-2016-0155

Fotovat F, Ghahari S, Salemi A. Investigate different style of emotional expressiveness, affective empathy, material satisfaction by the mediation of attachment styles of the mothers of children with ADHD. NPWJM 2020; 7 (25): 33-40. (inPersian) URL: http://npwjm.ajaums.ac.ir/article-1-751-fa.html

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran. (In Persian)
Paniri S, Ali Akbari Dehkordi M. The Effect of Psycho-educational Intervention of Positive and Safe Parenting Skills on Mothers' Quality of Life and Children's Resilience. FPJ 2021; 7 (1): 58. (In Persian)
URL: http://fpcej.ir/article-1-296-fa.html
Ranjbar, Maryam (2021). Effectiveness of positive and safe combined parenting training on mothers' psychological toughness and behavioral problems of 4-7 years old children in Tehran. Faculty of Psychology, Payam Noor University, Tehran. (In Persian)
Rezaei, Maryam (2019). Comparison of the effectiveness of positive parenting training and parental management on positive parenting styles and emotional behavioral problems of children (Case study: parents of Farhang Kindergarten children in Isfahan City in 2019). Master's thesis. Mahdi Institute of Higher Education (AJ) Mehr-Isfahan, Faculty of Educational Sciences, Psychology and Art. (In Persian)
Riany, Y., & Ihsana, A. (2021). Parenting stress, social support, self-compassion, and parenting practices among mothers of children with ASD and ADHD. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, *6*(1), 47-60. doi:http://dx.doi.org/10.21580/pjpp.v6i1.6681
Saaidian asl M, Khanzadeh M, Hasani J, Edrisi, F. Factor Structure and Psychometric Properties of the Persian version of State Adult Attachment Scale (SAAS). Quarterly journal of research in psychological health. 2012; 6 (1):66-78. (In Persian)
Sefidgari, G. M., & Jomehri, F. (2021). Predictive Model of Child's Social Emotional Competency based on Mothers' Meta-Emotional Factors with Mediating Role of Child's Attachment Security4:117-127
Sempio, O. L., Fabio, R. A., Tiezzi, P., & Cedro, C. (2016). Parental and teachers attachment in children at risk of ADHD and with ADHD. *Life Span and Disability*, *19*(1), 57–77.
Soleymani H., Bashash L, Latifiyan M. (2014). Psychometric Properties of the Kinship Center Attachment Questionnaire (KCAQ) of Latency-Aged for Children. *Psychological Models and Methods*, *4*(16), 41-63. (In Persian)
Suzuki K., Kita Y., Kaga M., Takehara K., Misago C. and Inagaki M. (2016). TheAssociation between Children's Behavior and Parenting of Caregivers: A Longitudinal Study in Japan. *Front. Public Health*, 4:17. doi: 10.3389/fpubh.2016.00017
Tamannaeifar M, Abdollahy Sichani R, Rezaei N. (2024). Prediction of Behavioral Disorders in Pre-school Children based on Maternal Attachment Styles. *JOEC*, 24 (1): 3. (In Persian) doi:10.52547/joec.24.1.37
TorkLadani S, Aghababaei S. (2022). Effectiveness of Positive Parenting Training on Parent-Child Interaction and Children's Behavioral Problems
Guttmann-Steinmetz, S., Crowell, J., Doron, G., & Mikulincer, M. (2011). Associations between mothers' and children's secure base scripts in ADHD and community cohorts. *Attachment & Human Development*, *13*(6), 597–610. https://doi.org/10.1080/14616734.2011.609010
Hajkhodadadi D, Etemadi O, Abedi M R, Jazayeri R S. (2021). The effectiveness of triple-p (positive parenting program) on effective parenting and quality of child-parent relationship in mothers with adolescents. *Journal of Psychological Science*. *20*(98), 185-198. (inPersian)
Jafarnezhad M, Ghobari Bonab B, Bagheri F. (2022) Effectivness of Family Oriented Training Program based on Parents Behavioral Management on the Clinical Symptoms and School Performance of Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *JOEC*; 22 (2): 4. (In Persian)
Kappenberg, E. S., & Halpern, D. F. (2006). Kinship Center Attachment Questionnaire: Development of a Caregiver-Completed Attachment Measure for Children Younger than 6 Years. Educational and Psychological Measurement, 66(5), 852-873. https://doi.org/10.1177/0013164405285545
Kordahji, H., Ben-David, S. & Elkana, O. Attachment Anxiety Moderates the Association Between ADHD and Psychological Distress. *Psychiatr Q* **92,** 1711–1724 (2021). https://doi.org/10.1007/s11126-021-09919-6
Lerner, D. A., Verheul, I., & Thurik, R. (2019). Entrepreneurship and attention deficit/hyperactivity disorder: a large-scale study involving the clinical condition of ADHD. *Small Business Economics*, 53, 381-392. https://doi.org/10.1007/s11187-018-0061-1
Maric, M., Bögels, SM. (2018). Parenting behaviors associated with youth AD diagnosis vs. youth ADHD diagnosis. Eur. J. Psychiat, 55 (5), 1-7. https://doi.org/10.1016/j.ejpsy.2018.07.003
Molainejad E, Demhari F, Saeed Manesh M. (2018). Effectiveness of teaching positive parenting skills on parenting stress of mothers and behavioral problems of children with attention deficit/hyperactivity disorder. The 3rd National Conference on Psychology and Social Injuries. (In Persian)
Narimani M, Taghizadeh ,**Hir** S, Khoshsorour S. (2021). The Comparison of parental stress and anger self-regulation skills between parents of children with attention deficit hyperactivity disorder and autism. *Rooyesh*. *10*(1), 87-96. (In Persian) URL: http://frooyesh.ir/article-1-2443-fa.html
Ng SM and Hou WK (2017). Contentment Duration Mediates the Associations between Anxious Attachment Style and Psychological Distress. *Front. Psychol*. 8:258.doi: 10.3389/fpsyg. 2017.00258
Pakdaman, Shahla (2001). Investigating the relationship between attachment and sociability in adolescence. PhD dissertation in Psychology,

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]
[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]

with Externalized Problems. *JOEC*, 22 (3): 10 (In Persian) URL: http://joec.ir/article-1-1500-fa.html

Villanueva, L. S. (2017). Interpersonal closeness, self-disclosure, and attachment styles of university students in the Philippines. *Journal of Education and Social Sciences*, 6(2), 29-40.

Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences*. 2008 Apr 1; 44(5):1246-57. https://doi.org/10.1016/j.paid.2007.11.019

Wylock, JF., Borghini, A., Slama, H. *et al.* Child attachment and ADHD: a systematic review. *Eur Child Adolesc Psychiatry* (2021). https://doi.org/10.1007/s00787-021-01773-y

Zayats, T., & Neale, B. M. (2019). Recent advances in understanding of attention deficit hyperactivity disorder (ADHD): how genetics are shaping our conceptualization of this disorder. *F1000 Research*, *8*, F1000 Faculty Rev-2060. https://doi.org/10.12688/f1000research.18959.2

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOI: 10.52547/joec.24.2.18]